

**From experience to abuse: a phenomenological view of addiction**Ali Arabi¹

1. Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economics & Social Science, Shahid Chamran University of Ahvaz. Ahvaz. Iran. Email: a.arabi@scu.ac.ir

Article Info**ABSTRACT****Article type:**

Research Article

Article history :

Received: 25 - 1 - 2021

Received in revised form:

5 - 5 - 2024

Accepted: 5 - 5 - 2024

Published online:

5 - 5 - 2024

Keywords :

Substance abuse, Drug use
experiment, Teenager, Youth,
Addiction.

Substance abuse should be considered one of the most important social problems in the last two centuries. This problem has faced society with major cultural, health and economic challenges at individual, family and institutions levels. Unfortunately, preventive programs of governments and international organizations have not been very successful in managing and controlling this social damage. Thus, in this article, we seek to present a more detailed picture of this social issue. We will study people's lived experiences of substance abuse with the phenomenological methodology. Data were collected through in-depth interviews with members of Congress revival of the human population ٦٠ Ahvaz branch. Until reaching the theoretical saturation, interviews were conducted with 34 members of this NGO who were selected by the purposeful sampling method. The result of the analysis was conceptualized using the Colaizzi method in the central theme of Bermuda repetition use. This theme is the result of the theoretical abstraction of the three main themes of parenting, such as social skills, interpretive reproduction of drug use, and sexuality. The Bermuda of repeated use indicates the fact that institutional dysfunction in the three fields of family, education, and leisure, play an important role in explaining the repeated use of drugs in teenagers and youth people. This finding emphasizes the point that despite the importance of access to drugs in the consumption experience, the continued use and high rate of drug abuse among teenagers and young people should be found in the institutional inefficiency of these three social fields.

Cite this article : Arabi, A. (2024) From experience to abuse: a phenomenological view of addiction, *Journal of Social Problems of Iran*, 14 (2), 237-256 .



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

از تجربه تا سوء مصرف: نگاهی پدیدار شناختی به پدیده اعتیاد^۱علی عربی^۱۱. استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: a.arabi@scu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در دو قرن اخیر را باید سوء مصرف مواد اعتیادآور دانست. این مسئله در سه سطح فرد، خانواده، و نهادها، جامعه را با چالش‌های عمده فرهنگی، بهداشتی و اقتصادی مواجه نموده است. متأسفانه برنامه‌های پیشگیرانه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی موفقیت چندانی در مدیریت و مهار این آسیب اجتماعی نداشته‌اند. از این رو جهت ارائه تصویری با عمق بیشتر از این مسئله اجتماعی در مقاله حاضر برآن شدیم تا با استفاده از روش پدیدارشناسی به کاوش تجارب زیسته افراد از مسیر تجربه تا سوء مصرف مواد بپردازیم. داده‌های مورد نیاز این تحقیق از طریق مصاحبه عمیق با اعضای سمن جمعیت احیای انسانی کنگره ۶۰ شعبه اهواز جمع‌آوری شد. در مجموع تا رسیدن به اشباع نظری با ۳۴ نفر از اعضای این سمن که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند مصاحبه صورت پذیرفت. حاصل تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کلاسی در تم مرکزی برمودای تکرار مصرف مفهوم‌پردازی شده است. این تم حاصل انتزاع نظری از سه تم اصلی فرزندپروری به مثابه مهارت اجتماعی، بازتولید تفسیری مصرف مواد و سکسوالیته می‌باشد. برمودای تکرار مصرف حاکی از این واقعیت است که ناکارآمدی نهادی در سه حوزه خانواده، آموزش و فراغت را باید به عنوان متغیری مهم در توضیح چرایی تکرار مصرف و اعتیاد به آن پس از آشنایی نوجوانان و جوانان با مواد اعتیادآور دانست. این یافته بر این نکته تأکید دارد که هرچند دسترسی به مواد متغیر مهمی در تجربه اولیه مصرف این قشر می‌باشد، اما تداوم مصرف و نرخ بالای سوء مصرف را می‌بایست در ناکارآمدی نهادی سه حوزه نامبرده جستجو نمود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵	
کلیدواژه‌ها:	
سوء مصرف مواد، تجربه مصرف، نوجوان، جوان، اعتیاد.	

استناد: عربی، علی. (۱۴۰۳). از تجربه تا سوء مصرف: نگاهی پدیدار شناختی به پدیده اعتیاد: بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۴ (۲)، ۲۳۷-۲۵۶.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ این مقاله حاصل پژوهشی از طرح ارتباط جامعه و صنعت با همکاری دفتر تحقیقات کاربردی فراجا استان خوزستان است.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در جهان معاصر علیرغم تمامی سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها همچنان سوءمصرف مواد را می‌توان به عنوان مهمترین مشکل در بهداشت عمومی نام برد که منجر به تحمیل هزینه‌های انسانی^۱ قابل توجهی نه تنها به فرد که به خانواده‌ها و جامعه می‌شود (هنری و آگوستین، ۲۰۱۷: ۴). سلامت جامعه و به شکل خاص نوجوانان و جوانان تحت تاثیر اثرات مخرب مصرف مخدرها و روان‌گردان‌های صنعتی همچون رفتار خشونت‌آمیز، اختلالات روانی، رفتارهای پرخطر جنسی، و اختلالات عصبی به شکلی جدی مورد تهدید قرار گرفته است و عمق این آسیب را حتی می‌توان تا لحظه تولد نوزادان نیز ردیابی نمود (مونت‌گومری و همکاران، ۲۰۲۲: ۱). بی‌شک سلامت و برخورداری از سبک زندگی سالم به دور از مصرف مواد در میان قشر جوان و نوجوان که سرمایه اصلی هر کشوری در توسعه و پیشرفت را تشکیل می‌دهند از اهمیت شایان ذکری برخوردار می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که شکل‌گیری سبک زندگی سالم که به دور از انحرافات اجتماعی به ویژه سوءمصرف مواد باشد، مکانیسمی پیچیده است که به شرایط اقتصادی، اجتماعی در سطح کلان جامعه نیز وابسته است (بایموروداویچ، ۲۰۲۲: ۹۱).

در ارتباط با مسئله سوءمصرف مواد در جهان معاصر، جامعه جهانی با توجه به آسیب‌های اجتماعی بسیار مخرب مواد اعتیادآور، در چند دهه اخیر تلاش داشته تا استفاده از آنها را تحت نظارت خود درآورد و در همین راستا پژوهشگران در رشته‌های مختلف در حال بررسی دلایل مصرف و سوءمصرف این مواد بوده‌اند. طبق گزارش مرکز اروپایی نظارت مواد و اعتیاد به مواد^۲ (EMCDDA: ۲۰۲۱)، روند مصرف در گذشته معطوف به مواد به اصطلاح قدیمی یا سنتی شامل کوکائین، کراک، حشیش و هروئین بوده است. این در حالی است که در سال‌های اخیر مواد جدید مانند α -متیل تریپتامین^۳، آنالوگ‌های بنزودیازپین^۴، بنزوفوران‌ها^۵، متیوپروپامین^۶، آمفتامین‌های^۷ جدید، پیرازین‌ها^۸، کاتینون‌های مصنوعی و کانابینوئیدهای مصنوعی^۹، (که بیشتر به عنوان "فرا قانونی"^{۱۰} شناخته می‌شود)، به مشکل جدی اجتماعی برای جامعه جهانی تبدیل شده‌اند (موتیکا و الایمام، ۲۰۲۲: ۶۵). نگاهی به نتایج منتشر شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی نیز که در گزارش سالانه دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد ارائه شده‌اند حاکی از رشد صعودی مشکلات ناشی از مصرف مواد صنعتی جدید هستند. این گزارش بیانگر این واقعیت است که از ۲۰۰۹ تا کنون جمعیت مبتلایان به سوءمصرف مواد در جهان با ۴۷ درصد افزایش از ۲۱۰ میلیون نفر به حدود ۳۰۹ میلیون نفر افزایش یافته است. از این میزان ۶۲ میلیون نفر مصرف کننده اویپوئیدها، ۲۰ میلیون نفر کوکائین، ۲۷ میلیون نفر مشتقات آمفتامین و ۲۰۰ میلیون نفر مصرف کننده کانابیس و مشتقات آن هستند (UNODC، ۲۰۲۰: ۱۸). در این ارتباط لازم به ذکر است که شناسایی پیش‌بینی‌کننده‌های منحصر به فرد تکرار مصرف مواد در نوجوانان و جوانان می‌تواند نقش بسیار مهمی در مداخله هدفمند جهت پیشگیری از رشد افزایشی نرخ اعتیاد داشته باشد (آلن و همکاران، ۲۰۲۱: ۷۹۲). مروری بر پژوهش‌های حوزه اعتیاد نیز حاکی از این واقعیت است که جز موارد

1. human costs

2. European Monitoring Centre for Drugs and Drug Addiction

3. α -methyltryptamine

4. benzodiazepine analogues

5. benzofurans

6. methiopropamine

7. amphetamines

8. piperazines

9. synthetic cathinones and synthetic cannabinoids

10. legal highs

معدودی از تحقیقات مانند نلسون^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، مستین^۲ و همکاران (۲۰۰۸)، و شولنبرگ و مگز^۳ (۲۰۰۲)، بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه پیش‌بینی‌کننده‌های مصرف مواد در میان نوجوانان محدود به دسترس‌پذیری مواد باقی‌مانده‌اند. این مهم سبب شده تا مدل‌های پیش‌بینی‌کننده سوءمصرف مواد (اعتیاد)، از قدرت تبیین‌کنندگی معناداری برخوردار نباشند (آلن و همکاران، ۲۰۲۱: ۷۹۲). بنابراین می‌توان عنوان نمود که غفلت از تعیین‌کننده‌های تکرار مصرف سبب ایجاد شکاف دانش نظری در زمینه اعتیاد با واقعیت تجری آن شده است.

این خطای راهبردی حاصل عدم توجه به تفکیک کلیدی دو مقوله تجربه مصرف و اعتیاد به مصرف مواد در جامعه آماری پژوهش‌های انجام شده است. باید تاکید داشته باشیم که چنین تمایزی به لحاظ روش‌شناختی به ویژه جهت سیاست‌گذاری‌های پیش‌گیرانه سوءمصرف مواد از اهمیت بالایی برخوردار است. در چنین رویکردی متغیرهای مرتبط با رشد و جامعه‌پذیری افراد به همراه عوامل فرهنگی گذار در شکل‌گیری شخصیت نوجوانان و کیفیت کارکردی نهادهای اجتماعی از اهمیت استراتژیکی در توصیف نرخ گرایش به مواد و همچنین سوءمصرف آن در یک جامعه برخوردار می‌شوند (عربی، ۱۳۹۵: ۲۵۵).

نگاهی به آمارهای ارائه شده در سال‌های اخیر و غلبه روش‌های کمی در تحقیقات انجام شده حاکی از اهمیت ایده پژوهش حاضر است. داده‌های نهادهای مسئول حاکی از نرخ رشد ۳ برابری اعتیاد در سال‌های اخیر نسبت به نرخ رشد جمعیت کشور است (ایلنا، ۱۴۰۰). استان خوزستان در این ارتباط با توجه به اطلاعات ارائه شده توسط سازمان‌های متولی از اهمیت ویژه‌ای نیز برخوردار می‌شود. سرهنگ محمد صفری دبیر وقت شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان خوزستان، در مصاحبه‌ای در سال ۱۴۰۰ نرخ شیوع اعتیاد در این استان را بالاتر از میانگین کشوری اعلام نموده است (ایسنا، ۱۴۰۰). این در حالی است که رتبه نخست شیوع بین دانش‌آموزان نیز بر اساس گفته‌های دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در ۱۳۹۸ به این استان تعلق گرفته بود. در تحقیق حاضر تلاش بر آن است که با اتخاذ رویکردی مبتنی بر پارادایم تفسیری با تمرکز بر تجربه زیسته نوجوانان و جوانان، چرایی سوءمصرف مواد را در میان این قشر مورد کاوش قرار دهیم و در نهایت با سنج‌بندی مقوله‌های برساخت شده، نوری بر زوایای تاریک و پنهان این آسیب‌اجتماعی تهدیدکننده سلامت روان فرد، خانواده و جامعه بیافکنیم.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش با بیانی مختصر مروری بر تحقیقات خارج و داخل ایران خواهیم داشت. در ارتباط با تحقیقات خارج از ایران مهانوویچ و همکاران^۴ (۲۰۲۲)، در پژوهشی طولی به بررسی نقش سهل‌انگاری والدین در تبیین نرخ سوءمصرف مواد در میان نوجوانان پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود که هنجارهای مجاز والدین نسبت به سیگار و الکل متغیری پیش‌بین در مصرف اولیه مواد غیرقانونی در نوجوانان است. پژوهش مونتگومری و همکاران^۵ (۲۰۲۲)، نیز که با روش گروه متمرکز و با استفاده از طوفان فکری صورت پذیرفته است حاکی از هشت دسته راهکار جهت مواجهه با مسئله سوءمصرف مواد در میان دانش‌آموزان بوده است که ایشان با عناوین: پلیس/امنیت (افزایش مجازات‌های مرتبط)، کمک به جامعه (ایجاد مشاغل بیشتر)، درمان (دسترس‌پذیری)، افزایش آگاهی (شناسایی گروه‌های پرخطر)، ارتباط (شبکه اجتماعی)، افزایش درک (آموزش آنلاین)، پاکسازی جامعه (مدیریت نابسامانی) و از اعتیاد

^۱. Nelson

^۲. Masten

^۳. Schulenberg & Maggs

^۴. Mehanović et al

^۵. Montgomery et al

جلوگیری کنید (مقابله با فشار همالان)، دسته‌بندی نمودند. همچنین نتایج تحقیق موتیکا و الامام^۱ (۲۰۲۲)، که با روش کیفی صورت پذیرفته است حاکی از این واقعیت بود که رسانه‌های جمعی و محصولات فرهنگ عامه در تولید و انحراف پیام‌های مرتبط با مواد اعتیادآور نقش به سزایی در گرایش نوجوانان به مصرف مواد داشته است. یافته‌های حمزه و همکاران^۲ (۲۰۲۱)، نیز در ارتباط با اعتیاد حاکی از آن بود که خانواده‌های دارای نوجوان معتاد به مواد، کیفیت زندگی خانوادگی پایین‌تری را گزارش کرده بودند به نحوی که نمرات زوجین دارای فرزند معتاد در افسردگی، اضطراب و استرس نسبت به گروه گواه بالاتر می‌باشد. یکی دیگر از یافته‌های قابل تامل در ارتباط با سوء مصرف مواد را می‌توان در مقاله بتس و تراجیلو^۳ (۲۰۲۱)، مشاهده نمود. این دو محقق در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به تفاوت‌های بیولوژیکی در مکانیسم اثر مواد در نوجوانان به علت فرایند رشد، نتایج بسیاری از مطالعاتی که در جامعه آماری بزرگسالان صورت پذیرفته‌اند قابلیت تعمیم به نوجوانان را دارا نیستند. از این رو ضرورت دارد تا این شکاف پژوهشی ترمیم شود. این نتایج همسو با تحقیق گالی و آیزنوازر^۴ (۲۰۲۱)، می‌باشند که تأثیرات منحصر به فرد بلوغ را بر ساختار و عملکرد مغز، سیستم‌های انتقال‌دهنده عصبی، و مجموعه‌های رفتاری اواخر دوران کودکی، مورد بررسی قرار داده‌اند. لازم به ذکر است که بر اساس یافته‌های تحقیق کرای و همکاران^۵ (۲۰۱۸)، تفاوت‌های بیولوژیکی مبتنی بر جنس نیز نقش مهمی در تبیین تفاوت آسیب‌پذیری از سوء مصرف مواد در مردان و زنان دارا هستند.

در ایران با توجه به قرار داشتن در هلال طلایی ترانزیت مواد اعتیادآور، تحقیقات بسیاری پیرامون مسئله اعتیاد انجام شده است. ما در این بخش برخی از این تحقیقات که حداکثر همپوشانی موضوعی را با پژوهش حاضر دارا بوده‌اند و در سال‌های اخیر انجام شده‌اند مورد بررسی قرار داده‌ایم. به وضوح مشاهده می‌شود که در این تحقیقات ویژگی‌های شخصیتی از مهمترین متغیرهای تبیین کننده اعتیاد می‌باشند. مغاللو و والی‌وند (۱۴۰۱)، اشاره نمودند که ویژگی‌های شخصیتی با تعدیل تاب‌آوری موجب کاهش گرایش به اعتیاد در دانشجویان می‌شوند. در همین ارتباط ابراهیم‌زاده و سهرابی (۱۴۰۰)، نیز به عنوان نتیجه‌گیری نهایی پژوهش خود بیان کرده‌اند که برخی از صفات شخصیتی مانند تحمل ابهام و سرسختی روان‌شناختی سهم مهمی در گرایش به سوء مصرف مواد دارند. همچنین می‌توان به مقاله زارعی و کاظمی‌پور (۱۴۰۰)، اشاره نمود که حاکی از آن است بین حالت ملال روان‌شناختی و خودتمایز یافتگی با آمادگی اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. از سوی دیگر صرامی فروشانی و همکاران (۱۴۰۱)، بر این نکته تأکید داشته‌اند که پیشگیری از اعتیاد نیازمند یک مدیریت فرهنگی است که بتوان از طریق آن در راستای کاهش فقر فرهنگی در جامعه جهت پیشگیری از سوء مصرف مواد گام‌های بنیادینی برداشت. همچنین یافته‌های فیض‌الهی و باپیری (۱۴۰۰)، نقش گروه همالان، دوستی زیان‌آورانه، محیط نامناسب زیست شهری، سبک فرزندپروری آسیب‌زا، و مدیریت ناکارآمد مدرسه را از عوامل تبیین‌کننده گرایش به اعتیاد دانسته‌اند. نقش دینداری و بنیان‌های اخلاقی در کاهش گرایش به اعتیاد نیز در نتایج پژوهش شوشتری‌رضوانی و آقابابایی (۱۳۹۹)، برجسته شده است.

در نقد پیشینه‌های تحقیق نکته قابل تاملی که به وضوح مشاهده می‌شود، تمرکز بر متغیر گرایش به مصرف مواد در تمامی این تحقیقات است. در چنین رویکردی با همسان‌نگاری دو مقوله تجربه مصرف و سوء مصرف، دسترس‌پذیری به مواد اصلی‌ترین تبیین کننده سوء مصرف تلقی شده است. متأسفانه آمارها حاکی از آن است که دهه‌ها سیاست‌گذاری مبتنی بر چنین تبیینی نتوانسته است

^۱. Motyka & Al-Imam

^۲. Hamza et al

^۳. Bates & Trujillo

^۴. Gulley & Izenwasser

^۵. Kiraly et al

مانع روند افزایشی نرخ سوءمصرف مواد شود. از این رو در پژوهش حاضر جهت ارائه توصیفی تحلیلی از چرایی این وضعیت، تلاش بر آن است با تفکیک تجربه مصرف از سوءمصرف مواد به کاوش اکتشافی مسیر طی شده از ابتدای آشنایی تا وابستگی به مواد پرداخته شود. اصلی‌ترین هدف این پژوهش برجسته‌سازی این تفاوت، جهت بازاندیشی انتقادی در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه سوءمصرف مواد می‌باشد.

۳. چارچوب مفهومی

با توجه به رویکرد کیفی و مبتنی بر معرفت‌شناسی پارادایم تفسیری در این بخش چارچوب مفهومی جهت شناخت سوءمصرف مواد مبتنی بر دیدگاه‌های زیست‌شناختی و نظریه‌های اجتماعی- فرهنگی ارائه می‌شود.

در گام اول باید عنوان کرد که دیدگاه‌های زیست‌شناختی^۱ رفتارهای انحرافی و نامعقول را دارای ماهیتی ژنتیکی و بیولوژیکی دانسته و از این رو ابتلا به سوءمصرف مواد نیز از طریق وراثت^۲ و مکانیسم‌های بیوشیمیایی تبیین می‌شوند (محسنی، ۱۳۸۶: ۵۴). البته لازم به ذکر است که عوامل جسمانی، و فنوتیپ‌های^۳ خاصی مانند شکل جمجمه، همچنین سطح اضطراب افراد با توجه به وضعیت فیزیولوژیک و سطوح هورمونی ایشان نیز به عنوان عوامل تبیین کننده لحاظ می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۸)، به عبارت کلی‌تر در این رویکرد، اعتیاد اختلالی است که علت آن در ساختار بیولوژیکی یا ژنتیکی فرد قرار دارد (رسول، ۲۰۰۹: ۳۵). قبل از پرداختن به نظریه‌هایی چند در این دیدگاه، ضرورت دارد بر این نکته تأکید نماییم که یافته‌های جدید حاکی از آن هستند که الگوهای جامعه‌پذیری و کیفیت درک افراد از زندگی اجتماعی نقش بسیار پررنگی در تبیین رفتارهای انحرافی و همچنین فعالسازی استعدادهای ژنتیکی دارا می‌باشند (ممتاز، ۱۳۸۷: ۴۷). نظریه بیماری، اعتیاد را یک مکانیسم شیمیایی پیش‌رونده و بازگشت‌ناپذیر در نظر می‌گیرد که نشانه اولیه آن ناتوانی در کنترل میزان مصرف است، بنابراین تنها راه پیشگیری در آن ممانعت از دسترسی به مواد تلقی می‌شود (کوک^۴، ۱۹۸۸). در همین راستا، نظریه ژنتیک^۵ نیز همچون نظریه بیماری، عوامل بیولوژیکی را زمینه اصلی اعتیاد افراد تلقی می‌کند با این تفاوت که ژن‌ها جایگزین واکنش‌های شیمیایی می‌شوند (رسول، ۲۰۰۹: ۳۶-۳۵). نظریه بد عادت^۶ سوء مصرف مواد^۷ نیز با نگاهی زیستی و تأکید بر سوءمصرف مواد به عنوان عادت بد به رفتار تکراری، مضر و نیمه بازتابی، معتادان را افرادی حساس به لحاظ بیولوژیکی تلقی می‌کند. قوی‌ترین یافته در این زمینه در ارتباط با مصرف الکل توسط کاتن^۸ (۱۹۷۹)، در خانواده‌های مصرف‌کننده الکل، و گودوین^۹ (۱۹۷۹)، در دوقولوها مورد آزمون قرار گرفته است که وجود حداقل یک عامل ژنتیکی را برای اعتیاد به الکل پیشنهاد می‌کنند. هرچند مکانیسم بیوشیمیایی این مسئله ناشناخته است اما می‌توان با اندازه‌گیری آنزیم الکل دهیدروژناز کبدی تا حدودی این تفاوت‌ها را تبیین نمود. همچنین در این نظریه با تأکید بر میزان سطح الکل در خون زنان، نرخ پایین الکلیسم در ایشان توضیح داده می‌شود (گودوین، ۱۹۸۰: ۱۲). نظریه کنترل ک‌آپ^۹ نیز با رویکردی بیولوژیکال جهت تبیین اعتیاد بر تعامل سه دسته از پیامدهای مصرف مواد شامل اثرات شناختی-عاطفی-دارویی تأکید می‌کند که در آن ناتوانی فرد در برابر محیط زندگی و مقابله با

1. Biological Perspective

2. Inheritance

3. Phenotype

4. Cook

5. Genetic Theory

6. The bad-habit theory of drug abuse

7. Cotton

8. Goodwin

9. CAP Control Theory (cognitive-affective-pharmacogenic)

استرس، نقش مرکزی را دارا می‌باشد. مبتنی بر این مدل استرس حاصل از مواجهه افراد با خواسته‌ها و انتظارات جامعه منجر به بروز اضطرابی در فرد می‌شود که او را به سمت مصرف مواد متمایل می‌نماید (اوکیوبه و همکاران، ۲۰۲۲: ۲۹). در تمامی رویکردهای زیست‌شناختی عنوان شده، تمایل به مصرف مواد به عنوان بیماری با زمینه‌های بیولوژیکی تلقی شده است. از این رو دسترسی به مواد با فعال کردن مکانیسم‌های بیوشیمیایی سبب اعتیاد خواهد شد. بنابراین قطع دسترسی به مواد مهمترین نقش را در سیاست‌گذاری‌های پیشگیری از سوءمصرف دارا می‌باشد.

در نقطه مقابل رویکردهای زیست‌شناختی، نظریه‌های اجتماعی-فرهنگی^۱ قرار می‌گیرند. این گروه از نظریه‌ها شامل نظریات بسیاری همچون نظریه‌ی سیستمی^۲، نظریه‌ی تعامل خانوادگی^۳، نظریه‌های خرده فرهنگی، نظریه‌ی انسان‌شناسی^۴، نظریه‌ی اقتصادی^۵، نظریه کنترل^۶، نظریه در دسترس بودن^۷، نظریه بوم‌شناسی^۸ و نظریه‌ی دروازه ورود^۹ می‌باشند. در نظریه سیستمی شکل‌گیری و تداوم رفتار از طریق درخواست‌های پیوسته نظام‌های بین فردی شکل می‌گیرد که فرد با آنها در حال تعامل است، که در میان این تعاملات شبکه‌ای، تعامل با افراد مهم، نقش بسزایی در ایجاد و تداوم رفتار دارند. در نظریه تعامل خانوادگی، علت اصلی اعتیاد را وجود کمبودهای وابسته به پدر و مادر در نظر می‌گیرند. کمبودهایی چون غیبت والدین، مشاجرات خانوادگی، طرد^{۱۰}، وجود فاصله عاطفی و از خودبیگانگی والدین^{۱۱} می‌تواند سبب تمایل افراد به اعتیاد گردد (رسول، ۲۰۰۹: ۳۹). نظریه‌های خرده فرهنگی نیز با تاکید بر ساخت نظام اجتماعی و فرهنگ حاکم در راستای تبیین سوءمصرف گام برمی‌دارند. برای مثال در نظریه پسران بزهکار، آلبرت کوهن^{۱۲} (۱۹۵۵)، مصرف مواد را نوعی ارزش فرهنگی در نوجوانان طبقات پایین برمی‌شمارد (ستوده، ۱۳۸۷: ۱۴۸). کلوارد و اهلاین^{۱۳} نیز در نظریه فرصت افتراقی^{۱۴} بر فرصت‌های مشروع و نامشروع در دستیابی به ارزش‌های فرهنگی جهت تبیین اعتیاد تاکید دارد. در این تبیین عواملی چون قومیت، مذهب و طبقه اجتماعی با تاثیر بر فرصت‌های رقابتی برای کسب موقعیت‌های اجتماعی می‌توانند در شکل‌گیری رفتارهای بزهکارانه و مصرف مواد نقش داشته باشند (احمدی، ۱۳۸۹: ۷۷-۷۶). ساترلند^{۱۵} هم‌نشینی‌های افتراقی را بدان علت که می‌توانند سبب مطلوب جلوه دادن مصرف مواد شوند از عوامل مهم چنین انحرافی برمی‌شمارد.

در سوی دیگر نظریه در دسترس بودن، امکان دسترسی به مواد در جامعه و جایگاه مصرف مواد در فرهنگ جامعه را علت اصلی شیوع اعتیاد و آسیب‌های حاصل از آن در اجتماع قلمداد می‌نماید (رسول، ۲۰۰۹: ۴۰-۳۹). نظریه کنترل اجتماعی نیز با فرض سیری ناپذیری انسان، او را نیازمند نظارت تعریف می‌کند، از این رو تاکید خود را بر ساز و کارهای کنترل اجتماعی به مثابه یک اهرم بازدارنده و جهت‌دهنده قرار داده است (ستوده، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۳). عدم وجود نظام‌های کنترل کامل و فقدان تقید و تعهد نسبت به

1. Socio-Cultural theory

2. Systems theory

3. Family interaction theory

4. Anthropological theory

5. Economic theory

6. Control Theory

7. Availability theory

8. Ecological Theory

9. Gateway theory

10. Rejection

11. Parental alienation

12. Albert Cohen

13. Cloward & ohlin

14. Differential opportunity

15. Edwin Sutherland

نهادهای بنیادی همچون خانواده و مدرسه متغیرهای کلیدی این نظریه هستند (احمدی، ۱۳۸۹: ۸۷-۸۶). همچنین هیرشی^۱، با تاکید بر عنصر روابط اجتماعی^۲ به عنوان سپر محافظ افراد، عناصری چون پایبندی^۳ به قراردادهای اجتماعی، درآمیختگی^۴ با فعالیت‌های اجتماعی و اعتقاد^۵ به جامعه را جهت مدیریت کنش‌های انحرافی ضروری می‌داند (محسنی، ۱۳۸۶: ۷۲؛ ستوده، ۱۳۸۷: ۱۳۸). نظریه بوم‌شناختی چشم‌انداز تبیینی خود را بر چگونگی تاثیر ادراکات ناشی از محیط فیزیکی بر کنش متقابل اجتماعی شهروندان قرار می‌دهد (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). پارک^۶ و برگس^۷ محیط فیزیکی شهر را عامل بسیار مهمی در تعیین فرهنگ حاکم بر آن شهر می‌دانند (احمدی، ۱۳۸۹: ۵۵)، به نحوی که روابط میان ساکنان تابع نابسامانی فیزیکی و منازعه فرهنگی در منطقه سکونتگاهی است و در ادامه رفتارهای انحرافی (همچون مصرف مواد)، محصول تقابل این دو عامل می‌باشد (سلاحی، ۱۳۸۷: ۳۵). در نهایت می‌توان به نظریه دروازه ورود به عنوان تکمیل کننده این دسته از نظریات اشاره کرد که با مطرح کردن این ایده که مصرف مواد و داروهای نه چندان خطرناک و اعتیادآور دریچه‌ای برای ورود به زمینه‌های آسیب‌زای دیگر می‌باشند جایگاه اعتیاد را از یک مسئله فرعی و بسته‌ی جدا در جامعه به مسئله‌ای محوری در حوزه جرم‌شناسی و انحرافات اجتماعی توسعه می‌دهد. البته لازم به ذکر است که در این نظریه بیشتر بر استفاده از تنباکو (سیگار، قلیان)، الکل و ماری‌جوآنا به عنوان دریچه‌ای برای ورود به دنیای اعتیاد و حتی فعالیت‌های مجرمانه تاکید شده است (رسول، ۲۰۰۹: ۴۰-۳۹). مبتنی بر نظریات موجود نکته قابل تامل آن است که چه به لحاظ زیستی و چه به لحاظ فرهنگی-اجتماعی علیرغم تفاوت‌های موجود در چگونگی تبیین اعتیاد، دسترسی به مواد و تجربه آن، مهمترین عامل گرایش به مصرف و تکرار آن تا سوءمصرف و اعتیاد است. بنابراین همچنان که مشاهده می‌شود تجربه زیسته مصرف کنندگان در حاشیه تبیین‌های کلان نظری قرار گرفته است در حالیکه می‌تواند با ارائه توصیفی ضخیم به شناختی عمیق از این پدیده منجر شود. با توجه به روش‌شناسی تحقیق حاضر، چارچوب مفهومی ارائه شده در طول پژوهش در سطح حساسیت نظری مورد توجه محقق قرار گرفته است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر بر اساس پارادایم تفسیری طراحی شده است. پارادایم‌ها منطق و معیارهای فرآیند تحقیقات را در علوم اجتماعی جهت‌دهی می‌کنند (بلیکی، ۱۳۹۱: ۳۱)، و به عبارت دیگر فراهم‌کننده مدل‌ها یا چارچوب‌های مشاهده‌ای و ادراکی محقق در مواجهه با موضوع پژوهش هستند (هنیک و همکاران ۱۳۹۳: ۲۴). مبتنی بر پارادایم تفسیری واقعیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی از طریق توجه به پیچیدگی‌های موجود در دیدگاه‌های مختلف کنشگران و با برجسته کردن معانی ذهنی افرادی که با آن واقعیت در زمینه تاریخی و فرهنگی تعامل دارند قابل مطالعه است (کرسول، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۶). با توجه به موضوع از میان روش‌شناسی‌های موجود، این پژوهش با روش پدیدارشناسی صورت پذیرفته است. مرکزیت و محور اصلی پدیدارشناسی در ذیل نگاه هوسرل بر مفهوم پدیده بنا نهاده شده است و از این رو برای شناخت واقعیت‌ها باید از «پدیدار»هایی خالص به عنوان تنها داده‌های مطلق شروع نمود (ایگلتن، ۱۹۹۶ به نقل از خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۲). مرلوپوتی (۲۰۰۱)، پدیدارشناسی را کوششی برای گذار از فلسفه به یک علم دقیق تعریف می‌نماید، که

1. Travis Hirshi

2. Social Bond

3. Commitment

4. Involvement

5. Belief

6. Robert Ezra Park

7. Ernest Burgess

نیازمند مشاهده دقیق و توصیف صادقانه، همراه با به کارگیری سطح بالایی از خودانتقادی محقق است (خدادادی، ۱۴۰۱: ۳۴). بنابراین هدف از پژوهش حاضر، ارائه توصیفی صریح و عمیق از تجربه سوء مصرف مواد نوجوانان و جوانان اهوازی است که به عنوان یک پدیده اجتماعی در موقعیتی خاص از سوی ایشان ادراک شده است. بدین منظور با توجه به اینکه نمونه‌گیری متناسب با موضوع در روش‌شناسی تحقیقات کیفی به ویژه پدیدارشناسی تضمین کننده دست‌یابی به هدف تحقیق می‌باشد (مارشال و راسمن، ۱۳۸۶: ۷۷)، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. باید توجه داشت که نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی نسبت به تحقیقات کمی از تمایز کلیدی برخوردار است و به صورت غیر احتمالی مبتنی بر موضوع تحقیق انجام می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۷). این بدین معناست که محقق به سراغ آدم‌ها، مکان‌ها و رویدادهایی می‌رود که در راستای توصیف نظری در حال شکل‌گیری، امکان کشف گوناگونی‌ها را برای او به حداکثر برساند (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۲۱۹).

مشارکت کنندگان در تحقیق حاضر را اعضای کنگره شصت شعبه اهواز تشکیل داده‌اند. بدین منظور محقق ضمن هماهنگی بین سازمانی به مدت ۱۵ هفته حضور مستمر در تمامی جلسات این سمن (هفته‌ای ۳ روز، از ساعت ۱۷ تا ۲۰)، شرکت نموده است. شش هفته ابتدایی جهت آشنایی و پس از آن با هماهنگی ایجنت شعبه، مرزبان و راهنمایان با اعضای کنگره ۶۰ که تحت عنوان مسافر شناخته می‌شوند مصاحبه نموده است. در مجموع تا رسیدن به اشباع نظری با ۳۴ عضو این سمن مصاحبه عمیق صورت پذیرفت. لازم به ذکر است که معیارهای ورود افراد به نمونه تحقیق حاضر شامل موارد زیر بوده است:

۱. ساکن شهر اهواز یا یکی از شهرستان‌های استان خوزستان باشند که در زمان پژوهش امکان مصاحبه با ایشان فراهم باشد. ۲. قرار داشتن در گروه سنی نوجوان و جوان که با توجه به موضوع پژوهش بین سن ۱۵ تا ۳۰ سال لحاظ شده است. ۳. داشتن تجربه مصرف مواد در دوران نوجوانی و جوانی و تکرار مصرف. ۴. داوطلب شرکت در پژوهش با رضایت کامل باشند. ۵. توانایی پاسخگویی به سوالات پژوهش را داشته باشند.

جهت تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر نیز از روش هفت مرحله‌ای کلایزی^۱ استفاده شده است. در این روش تمامی مراحل جمع‌آوری تا دسته‌بندی، توصیف و اعتباریابی یافته‌ها طی هفت مرحله زیر صورت می‌پذیرد: مرحله اول: «پیاپیاده‌سازی داده‌ها بعد از هر مصاحبه»؛ مرحله دوم: «استخراج گزاره‌های مهم»؛ مرحله سوم: «فرموله کردن معانی»؛ مرحله چهارم: «دسته‌بندی داده‌ها»؛ مرحله پنجم: «تلفیق نتایج»؛ مرحله ششم: «توصیف صریح و روشن»؛ مرحله هفتم: «اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها»؛ (قیومی لاری، ۱۳۹۸: ۵۱). لازم به ذکر است در موارد ارائه گزاره‌هایی از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان با توجه به کدهای اخلاقی تحقیق، اسامی غیر واقعی استفاده شده‌اند.

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش با توجه به محدودیت تحقیق تمرکز اصلی بر مدل تحلیلی با تاکید بر تم‌های اصلی و تم مرکزی بر ساخته شده تحقیق می‌باشد. لازم به ذکر است که پس از اولین مصاحبه، فرایند تحلیل مبتنی بر روش کلایزی آغاز شد و در طول انجام پژوهش همراه با ادامه مصاحبه‌های عمیق، ادامه یافت. حاصل کدگذاری مصاحبه‌های پژوهش در فرایند افقی سازی تا رسیدن به اشباع نظری، هشت مضمون اولیه، سه تم اصلی و یک تم مرکزی بود که در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است، و در ادامه به توصیف آنها پرداخته خواهد شد.

^۱ Colaizzi

جدول ۵-۱: نتایج کدگذاری و افقی سازی مصاحبه های تحقیق

مضمون‌های اولیه	تم‌های اصلی	تم مرکزی
زیست مخاطره‌آمیز	فرزندپروری به مثابه مهارت اجتماعی	برمودای تکرار مصرف
تعامل سازنده		
مهارت مواجهه با مصرف مواد		
کنجکاوی خلاقانه	بازتولید تفسیری مصرف مواد	
سواد اعتیاد		
خلأ فراغتی		
بلوغ اروتیک	سکسوالیته	
سواد جنسی		

فرزندپروری به مثابه مهارت اجتماعی بر ساختی از سه مضمون اولیه زیست مخاطره آمیز، تعامل سازنده و مهارت مواجهه با مواد است که اهمیت نهاد خانواده را برجسته می نماید. مبتنی بر یافته های این تحقیق یکی از مهمترین اشتراکات در روایت افراد مبتلا به سوء مصرف مواد اعتیادآور از تجربه زیسته ایشان، نقش خانواده در ابتلا ایشان به اعتیاد است. البته خانواده در ارتباط با مسئله سوء مصرف مواد نقشی دوگانه را دارا می باشد، از یک سو می تواند مهمترین همراه نوجوانان در پیشگیری باشد و از سوی دیگر عامل اصلی افتادن ایشان در دام اعتیاد. خانواده ای با ساختار ناکارآمد و به تبع آن عملکرد ناکارآمد می تواند سبب بر ساخت الگوی تربیتی معیوب برای فرزندان شود. مصرف مواد در میان اعضای خانواده فارغ از تحلیل های ژنتیکی مبنی بر توارث زیست شناختی مصرف مواد، با بی اعتبار نمودن هشدارهای پیشگیرانه، سبب بر ساخت الگویی عملیاتی در ذهن نوجوانان شده و ایشان را نسبت به تجربه مصرف تهییج خواهد نمود. امیر (۱۸ ساله)، در روایت خود از مصرف مواد به این موضوع اشاره نموده است:

من خونه مصرف کننده داریم، پدرم مصرف کننده است، و می بینم با دوستاش میشینن و مصرف میکنن. حتی عموم میاد و همیشه توی ذهنم بود، که اینا رو داری می بینی، میگن و میخندن، اون موقع ها خیلی بابام اخلاش خوب میشه، الان ۳۰ ساله بابام مصرف میکنه....

تبدیل کانون خانواده به میان بر آشنایی با مواد، البته محدود به مصرف بلاواسطه و مستقیم مواد در مقابل دیدگان کودک نیست، بلکه هرگونه استفاده ای از دخانیات به ویژه قلیان را نیز باید با استناد به نظریه دروازه ورود^۱ در این معادله وارد نمود. مبتنی بر این نظریه، استفاده از چنین موادی منجر به بر ساخت الگویی رفتاری در نوجوانان می شود که ریسک پذیری^۲ و احساس جویی^۳ آنها را برمی انگیزد (چن و همکاران، ۲۰۲۳: ۲). صحبت های جواد (۲۰ ساله)، تاییدی تجربی از این نظریه مبتنی بر تجربه زیسته او است:

می رفتیم می شستیم توی جمع فامیل، یه نفر میومد تعریف می کرد از قلیون، قلیون خوبه، فلان، بهمان، با اینکه ما بهش می گفتیم جمع کن بابا، این مسخره بازی ها چیه، اما باز می گفتیم یه کام بده بز نیم چطوره، دو کام بده بز نیم چطوره، بعضی وقتا هم بعدش می گفتی این چیه که پدرت، برادرت، فامیل اینجور تعریف میکنن

^۱ gateway theory

^۲ risk-taking

^۳ sensation-seeking

مضمون تعامل سازنده نقش حمایتی و پیشگیرانه والدین را در فرزندپروری مورد نظر قرار می‌دهد. تعاملی که در صورت نقص می‌تواند منجر به شکاف فرزند-والد شود. قلبی روزین و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، با مرور تحقیقات انجام شده و پژوهشی طولی، بر ضرورت وجود حمایت اجتماعی خانواده از نوجوانان در جهت افزایش تاب‌آوری آنها در مقابل سوءمصرف مواد تاکید داشتند. این حمایت می‌تواند متغیر مهمی در ابتدای تجربه مصرف جهت پیشگیری از سوءمصرف در میان نوجوانان باشد و فقدان آن همچنان که در یافته‌های پژوهش کشف شد تأثیری معکوس خواهد داشت. ساسان (۲۶ ساله)، عنوان کرده است:

از نظر شخصیتی احساس ضعف داشتم، پدری داشتم که کتکم میزد... دوس داشتم دیده بشم، شنیده بشم، پا میزاشتم توی یه مسیری مثل این. وقتی مواد رو استفاده کردم توی روی بابام ایستادم دیگه کتکم نزد. جرات پیدا کرده بودم، همین شد که ادامه دادم..

مهارت مواجهه والدین با نوجوانانی که به تازگی تجربه مواد را آغاز نموده‌اند یکی از مهمترین مضمون‌های اکتشافی در ارتباط با مهارت فرزندپروری در سطح سوم پیشگیری از سوءمصرف مواد است. در این سطح مهارت مواجهه خانواده با فرزندان مصرف‌کننده مواد که در دوران طلایی مصرف قرار دارند از اهمیت شایانی برخوردار می‌شود که بی‌شک نیازمند آموزش است. فقدان مشاوره‌های تخصصی در کنار برجستگی انگ مصرف در جامعه و به تبع آن اعضای خانواده یکی از مهمترین مشکلات مواجهه روشمند با نوجوانان است. هرچند برچسب انگ به مصرف خود یکی از سیاست‌های اجرایی در سطح اول پیشگیری است اما این انگ را باید با دیدگاهی انتقادی به شکلی حساس مورد بازاندیشی قرار داد. اهمیت این موضوع را می‌توان در شعار سال ۲۰۲۳ دفتر مبارزه با مواد و جرم سازمان ملل مشاهده نمود که بر توقف انگ و تبعیض و تقویت پیشگیری تاکید دارد^۲ (UNODC: 2023). این مهم به ویژه در اولین مواجهه با فرزندان مصرف‌کننده مواد از اهمیت بسزایی برخوردار می‌شود.

شاهرخ (۲۶ ساله): وقتی که فهمیدن گل میکشتم، همون یکی دو ماه اول، پدرم گفت می‌کشمت، من دیگه حس خوب رو از دست گرفته بودم، گفتم اینا نمی‌فهمن، چی میگه، اصلن مهم نبود برام، می‌گفتم فوقش یه کتکی می‌خورم دیگه. من همیشه گفتم اگر خانواده از پایه بهتر رفتار می‌کردن، احتمال نداشت اصلن به اینجا برسم، اون یکی رفیقم که خانوادش گیر بودن هم یواشکی مصرف می‌کرد تازه تخریبش هم از من بیشتره، بگم بهتر رفتار کردن گیر دادن نیست. ترسوندن نیست که تلویزیون و اخبار نشون میده...

عادل (۲۵ ساله): زمانی که مصرف میکردم، کافی بود یه نفر از خانواده یا دوستانم به من چیزی بگه، حتی مادرم، اصلن خوشم نمیومد دیگه، ... این که کسی خودش درمان شده و نصیحتت کنه خیلی تاثیر داره... زمان مصرف تو توی فازی هستی که بقیه اون رو ... میگی چی میگه... من الان حاله خوبه... من که کارتون خواب نمی‌شیم... اینا تاثیر داره...

دومین تم اصلی در یافته‌های پژوهش حاضر که با عنوان بازتولید تفسیری مواد مفهوم‌پردازی شده است. بازتولید تفسیری^۳ دربرگیرنده ابعاد خلاقانه و ابداعی مشارکت کودکان در جامعه است. به عبارت دیگر، نوجوانان اطلاعات و داده‌های دنیای بزرگسالان را با دریافتی خلاقانه در فرایند متناسب سازی جهت رفع نیازهای خود بازتعریف می‌کنند (کوروسارو، ۱۳۹۳: ۴۵). منطبق با این درک جدید همچنان که در ادامه متن مشاهده خواهد شد، سه مقوله کنجکاوی خلاقانه، سواد اعتیاد و ناکارآمدی نهادی فرایندی را توصیف می‌کنند که منجر به بازتولید تفسیری مصرف مواد اعتیادآور در میان نوجوانان و جوانان می‌شود به نحوی که تمامی سیاست‌های پیشگیرانه اجرا شده در فضای رسانه‌ای و آموزشی کشور به ناگهان بی‌اعتبار شده و مصرف مواد به عنوان کلید اسرار در ذهنیت

¹ qolbi Ruzain etal

² People first: stop stigma and discrimination, strengthen prevention

³ interpretive reproduction

نوجوانان و جوان بازتعریف می‌شود. این امر حاصل نگرش حاکم در عرصه سیاست‌گذاری‌های کلان پیشگیری اعتیاد است که عربی (۱۳۹۵)، آن را ذیل مقوله پرتونگاری اعتیاد توضیح داده است. پرتونگاری اعتیاد به معنای بازنمایی اعتیاد بدون توجه به دوران طلایی مصرف با برچسب بیماری و تاکید صرف بر پیامدهای نهایی حاصل از سوءمصرف مواد، می‌باشد. در این تم اولین قطعه از دومینوی سوءمصرف را باید در مضمون کنجکاوی خلاقانه که ویژگی ذاتی دوران نوجوانی است، یافت. در طول تحقیق حاضر عنصر کنجکاوی همواره در کلام مشارکت‌کنندگان به انحای مختلف حضور داشت. در مواردی این کنجکاوی اصلی‌ترین عامل تجربه مصرف مواد و تکرار آن بوده است.

کمال (۲۰ ساله): ۱۳ سالم بود. از بچه‌ها می‌شنیدم که می‌گفتن حال می‌ده، خودم نمی‌شناختم. کسی هم بهم پیشنهاد نداد بیا مصرف کن، فقط می‌شنیدم که خوبه، خیلی انرژی می‌ده، برا بعضی کارها هم خوبه... درس خوندن... زبونت رو باز میکنه، حوصله داری، اینطوری،

البته در اینجا باید تاکید داشته باشیم که این کنجکاوی می‌تواند پیامد متناسب‌سازی اطلاعات دریافتی توسط نوجوانان در ارتباط با مواد باشد که با ادراک مزایای ابتدایی حاصل از اثرات نوروپولوژیکال مصرف تائید می‌شود.

صادق (۲۷ ساله): ... من خواستم ببینم چی توشه، که این همه دارن مصرف می‌کنن، ۲۲ سالم بود، دیگه زدم خوشم اومد، گفتم این دفعه رو می‌زنم و دیگه نمی‌زنم، کنجکاوی هم بود ...

مضمون سواد اعتیاد دربردارنده این نکته بسیار مهم می‌باشد که محتوای آموزشی می‌بایست تصویری کامل از مصرف را به جامعه هدف خود متناسب با سن و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی انتقال دهد. تاکید صرف بر پیامدهای تخریبی و پاتولوژیکال مصرف و ارائه تصویری کاملاً تاریک از آن سبب ایجاد شکافی بین گنجینه دانشی نوجوانان از اعتیاد و تجربه مصرف ایشان خواهد شد. این شناخت پارادوکسیکال از مصرف مواد در نوجوانان به شکل معمول به نفع تجارب اولیه مصرف رفع خواهد شد و نوجوان همچنان که پیش‌تر عنوان شد، در همراهی با حمایت دریافتی از گروه همالان به باوری جدید در ارتباط با انگ‌زدایی از مصرف مواد دست خواهد یافت. نگاهی به شعار سال ۲۰۲۱ دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱ نیز تاییدی بر این یافته است: "حقایق درباره مواد مخدر را به اشتراک بگذاریم تا زندگی‌ها را نجات دهیم"^۲.

فرید (۲۲ ساله): ... یه ذهنیتی واسه ما درست کردن که غول بزرگی مواد، اما وقتی که آدم برای اولین بار تجربه میکنه میبینه اون چیزی نیست که بهش گفتن، دیگه هر حرفی که بزنن متوجه نمیشه و قبول نداره. حتی قلیون و سیگار. اگر من و امثال من یه اطلاعاتی به غیر از ترسوندن داشته باشن هیچ وقت نمیرفتن همچین کاری انجام بدن، یا ادامهش بدن...

فقر دانشی از موقت بودن ادراکات ملموس پیامدهای مصرف مواد در دوران طلایی مصرف که می‌تواند از چند ماه تا دو سال متأثر از نوع ماده مصرفی، شکل مصرف و متغیرهای زمینه‌ای و مداخله‌گر باشد، یکی از فاکتورهای حیاتی در پذیرش مواد و ادامه مصرف آن است.

خلاء فراغتی، دیگر مضمون تاثیرگذار بر بازتفسیر نوجوانان و جوانان از مصرف مواد است. فرصت‌های اجتماعی برای گذران وقت و امید به آینده در نظریه‌های جامعه‌شناختی نقشی کلیدی را در معنادار کردن ارتباط بین اوقات فراغت و تاثیرات گروه همالان بازی می‌کنند. با توجه به فرض اصلی نظریه فرصت‌های انحرافی می‌توان استدلال نمود که تمایل به استفاده از مواد اعتیادآور، ارتباط

¹ United Nations Office on Drugs and Crime

² Share Facts on Drugs, Save Lives

مستقیمی با تناسب فواید ادراک شده آن با وضعیتی که فرد خود را در آن هویت‌یابی می‌نماید دارد (شاوب و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۷۸). اینجاست که نقش نهادها در ایجاد فرصت برای مشارکت نوجوانان و جوانان در زیست اجتماعی ایشان برجسته می‌شود. کیفیت امکانات تحصیلی مبتنی بر استعدادیابی، فراغت متناسب با ذائقه نسلی، کار و ازدواج، نیازمند کارکرد صحیح ساختارهای کلان اجتماعی در انسجامی ارگانیک است که از طریق نهادها و سازمان‌های اجتماعی مرتبط با آنها باید عملیاتی شود. نگاهی به تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که پس از تجربه اولیه مصرف، ادامه آن تا سوء مصرف و ابتلا به بیماری اعتیاد حاصل فشار ادراک شده از ناکارآمدی نهادی در امکان ایجاد فرصت‌های گذران فراغت، تفریح و رفع نیازهای اساسی نوجوانان و جوانان است. بیان مازیار (۲۴ ساله)، مثالی نوعی از این واقعیت است:

توی پارک بودیم با رفیقم، وقت گذرونی، تکراری شده بود، اون گفت یه حالی کنیم، من نمیدونستم، باهاش رفتم، بعد گفتم یکی برم بالا، گفت نه یکی زیاده، شکوند، خوردم دیدم یه حس خوبی میده، بعد ما دور هم جمع می شدیم، تفریحمون بود، این رو که میخوردیم خیلی حال میکردیم با جمع مون، {سینما، ورزش، موسیقی؟} پارک میرفتم، زیاد، ورزش نه، رفیق. از نصف شروع کردم رسیدم به یه خشاب...

در نبود امکان دسترسی به فرصت‌های فراغتی مشروع، نوجوانان و جوانان برای گذران وقت و کسب حال خوش اسیر در باغ سبز مواد اعتیادآور می‌شوند.

سجاد (۲۳ ساله): ... الان هم که اومدم درمان شدم، دوستم بهم زنگ زده بود میگفت میخوای تفریح چیکار کنی، خیلی فکر کردم جوابش رو بدم... وقتی تفریح نباشه، یه استخر برم ۸۰ تومن پیاده شدم، میرم تنهایی خونه میشینم، با گل ارتباط برقرار میکنم. الان یه نوجون، من یه سوال از شما بکنم، من به این دوران رسیدم، نمیخوام معتاد بشم، تفریح چیکار کنم، شما بگو؛ مگر بچه پولدار باشی، که اونم عاقل باشی از ایران میری....

آخرین تم اصلی پژوهش حاضر با عبارت سکسوالیته مفهوم‌پردازی شده است. سکسوالیته^۱ مفهومی برای ارجاع به تمایلات جنسی انسان است. این تمایلات چیزی بیش از رابطه فیزیکی، تولید مثل و جاذبه‌های اندامی است. در واقع سکسوالیته تمامی این موارد و بیشتر از آن است. سکسوالیته از کلیت شخصیت و هویت اجتماعی هر انسان است. این مفهوم دربرگیرنده ابعاد زیست‌شناختی، روان-شناختی و اجتماعی-فرهنگی انسان است که در ارتباطی متقابل با یکدیگر قرار دارند (گرین‌برگ، ۲۰۱۷: ۴). در پژوهش حاضر نیز هنگام کدگذاری مصاحبه‌ها در طول پژوهش، مواجهه مشارکت‌کنندگان در تحقیق با مقوله سکسوالیته که در اینجا به معنای پدیده‌ای فرهنگی در ارتباط با ابعاد چندگانه رفتار و تمایلات جنسی لحاظ شده است، در ارتباط با سوء مصرف مواد اعتیادآور بسیار مشهود بود. فقر دانش و اغتشاش ارزشی حاصل از گذار فرهنگی به ویژه در نسل نوجوان و جوان، سبب شده است تا ناتوانی از درک صحیح مقوله سکسوالیته تأثیر به‌سزایی در تکرار تجربه مصرف نوجوانان و جوانان داشته باشد و یکی از عوامل مهم سوء مصرف در جامعه پژوهش باشد که شامل دو مضمون بلوغ اروتیک و سواد جنسی است.

بلوغ اروتیک تأکید بر ابعاد جامعه‌شناختی و فرهنگی تمایلات جنسی است که نوجوان و جوان را نسبت به برقراری ارتباط اجتماعی با جنس مقابل خود تهییج می‌نماید. در واقع با توجه به مصاحبه‌های انجام شده بسیاری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق بر این موضوع تأکید داشتند که احساس ضعف در برقراری ارتباط با دختران یکی از دغدغه‌های ذهنی ایشان بوده است که مصرف مواد سبب برطرف شدن این دغدغه به نحوی مطلوب شده است. مهدی ۱۷ ساله عنوان می‌کند:

^۱ Sexualite واژه‌ای فرانسوی که در بیان فوکو به عنوان ساختاری است که مفهوم سکس در آن بر ساخته می‌شود.

من با یه دختری آشنا شدم، یک سال فقط شاید دو بار تونستم ببینمش، بعد تمام ذهنم بواسطه این رابطه ای که بود درگیر شده بود، دهم بودم و امتحانای خرداد دیدمش، بعد من همش به خودم میگفتم تو چرا نتونستی با این حرف بزنی، بعد هم با یکی دیگه دیدمش و من بیشتر خودم رو سرزنش میکردم.. این پیش زمینه توی دوباره مصرف کردن من خیلی مهم بود، یکی از مهمترین تاثیرات مصرف مواد بر سیستم دوپامینرژیک مغز انسان در تجارب اولیه مصرف ادراک توانایی در سخن‌وری و اعتماد به نفس است. این ویژگی نقش بسیار مهمی در تکرار مصرف مواد در میان نوجوانان مبتنی بر برقراری تعامل با جنس مقابل را داشته است. همچنان که کامران (۲۴ ساله)، به وضوح به این امر اشاره نموده است:

دوست داشتم دوست بشم، ولی می رفتم سر قرار هول میشدم، دست و پام میلرزید، و این خیلی مسئله بزرگی بود برام... تا اینکه یکی از بچه ها قرص ترامادول برام آورد، گفت اینو بخور خوب میشی. یکی رو خوردم اینقد انرژی گرفتم، اینقد حال خوب شد، بهترین روز زندگیم بود. دیگه که فهمیدم چه تاثیری داره ادامه دادم، اینقد از خودم خوشم اومد. دیگه این قرص رو خوردم...

در ادامه بلوغ اروتیک، فقدان و ضعف سواد جنسی نیز نقش بسیار مهمی در تکرار مصرف تا سوءمصرف مواد داشته است. سوال مهمی که در این زمینه طرح می‌شود آن است که کودکان و نوجوانان ما تا چه میزان باید از سکس اطلاعات داشته باشند؟ در جامعه امروز هرچند بسیاری از والدین و بزرگسالان در ابراز و مواجهه با تمایلات جنسی خود به درکی مطلوب رسیده‌اند اما همچنان در مقام قضاوت و واکنش به تمایلات جنسی فرزندانشان با مشکل بنیادین دست به گریبان هستند (کروکز و بوئر، ۲۰۲۰: ۳۶۷). در این بخش یافته‌ها بیانگر وجود اغتشاشی ارزشی در جامعه و ضعف دانش نوجوانان و جوانان از مقوله سکس به شکلی ملموس است. نکته بسیار مهم در این خصوص توسعه صنعت پورنوگرافی است. این صنعت نه تنها مسئله جامعه ایران که در سطح جهان به عنوان یک موضوع پروبلماتیک لحاظ شده است. در سال ۲۰۱۶ کمیسیون بهداشت عمومی ایالتی در آمریکا در همکاری ۳ ساله با دانشگاه به تدوین برنامه درسی با هدف افزایش آگاهی نوجوانان در مورد پورنوگرافی پرداخت (روتمن و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵۴). مهمترین اهداف این برنامه ایجاد تفکر انتقادی در نوجوانان نسبت به محتوای پورنوگرافیک جهت مدیریت آسیب‌شناختی این صنعت بود. وضعیتی که به وضوح در جامعه هدف تحقیق حاضر عامل مهمی در تکرار مصرف تا سوءمصرف مواد بوده است.

شروین (۳۱ ساله): ... پورن بود و دوستان و داستانی که میگفتیم، شناختن از سکس اینجوری بود، اما خیلی احساس پوچی میکردم توی رابطه. با دوستم که صحبت کردم، این قرص رو داد، گفتم چیه گفت ترامادول، واسه نزدیکی خیلی خیلی خوبه، وقتی این رو خوردم خیلی حال کردم...، بعد شیشه رو امتحان کردم، ... دوست دخترم هم میگفت خیلی خوبی ...، این خیلی تاثیرگذار بود...، دیگه احساس قدرت و لذت میکردم. تا جایی که مصرفم شد روزانه...

مقوله سواد جنسی در اینجا اشاره به میزان اطلاعات نوجوانان و جوانان از بدن خویش و شریک جنسی‌شان در رابطه با عمل سکس دارد. برداشت‌های غلط، ارجاع به منابع غیر علمی و شهود عامه، و از همه مهمتر خودبیمارانگاری جنسی در میان پسران، و دریافت پاسخ در تجارب اولیه از مصرف مواد در بهبود آنها، از مهمترین عوامل تکرار مصرف می باشند.

امیر (۱۸ ساله): من اتفاقی فهمیدم توی قضیه جنسی خیلی به نفعمه، من واسه سرخوشی مصرف میکردم، اما فهمیدم رابطه جنسی هم قوی میشم. دیگه شروع شد. الان هر بار با دوست دخترم ارتباط برقرار میکنم از شدت حالی که بهش میدم گریه میکنه. این دیگه دنیایی شده واسه من. یک سال هم هست، هیچ عوارض خاصی رو تجربه نکردم

با توجه به مقوله‌ها و توضیحات ارائه شده، به وضوح مشخص است که دسترسی به مواد و تجربه اولیه آن مبتنی بر دیدگاه‌های زیست‌شناختی و پزشکی بدون در نظر گرفتن فرایندهای اجتماعی قادر به توضیح سوءمصرف مواد در جامعه نیست. در واقع پس از تجربه مصرف متغیرهای اجتماعی-فرهنگی نقش بسیار برجسته‌تری از فرایندهای بیولوژیکی در تکرار مصرف تا سوءمصرف مواد را

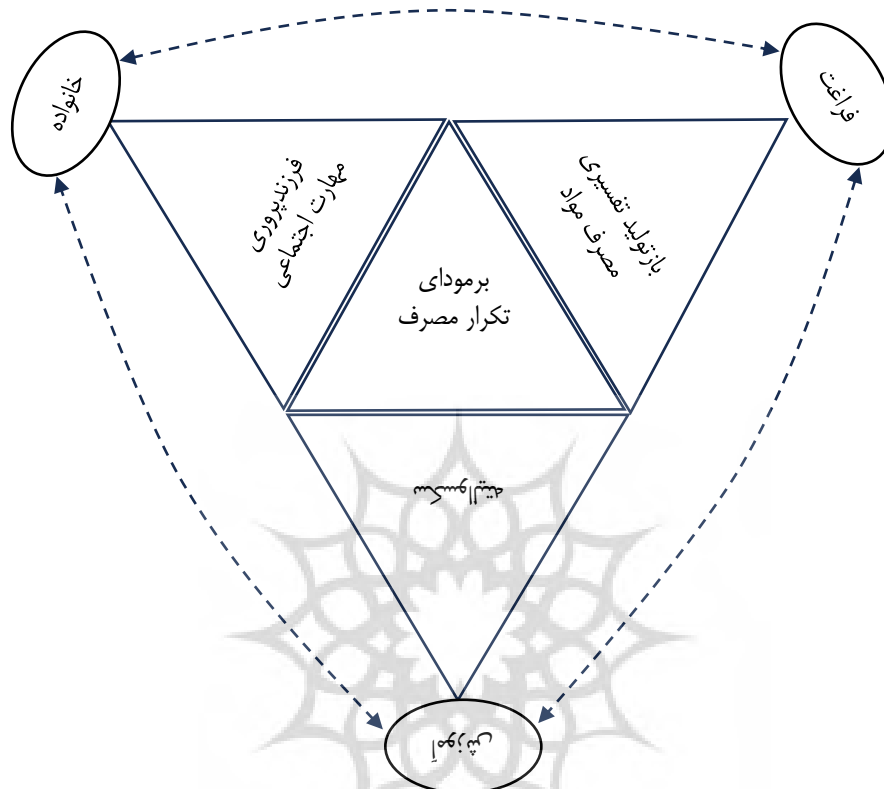
دارا می‌باشند. جهت ارائه تفسیری تحلیلی از این یافته، در بخش نتیجه‌گیری به توضیح تم مرکزی پژوهش که با عبارت "برمودای تکرار مصرف" مفهوم‌پردازی شده است و حاصل برساختی مفهومی-تحلیلی از تم‌های اصلی می‌باشد، می‌پردازیم.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

"برمودای تکرار مصرف" به عنوان تم مرکزی حاصل تحلیل مفهومی تم‌های فرعی و استعاره‌ای از تعداد آنهاست که می‌توانند به عنوان سه ضلع مثلث شناخت تجربی از سوءمصرف مواد مورد استفاده قرار گیرند. سه ضلعی که در کنار یکدیگر مثلثی را شکل می‌دهند که در آن همچون برمودا، ارزشمندترین سرمایه یک جامعه که همان نوجوانان و جوانان هستند در تباهی و نابودی حاصل از سوءمصرف مواد غرق می‌شوند.

نگاهی به گزاره‌های تم‌های انتزاع شده در پژوهش به وضوح حاکی از اهمیت ناکارآمدی نهادی در شکل‌گیری برمودای تکرار مصرف می‌باشد که در یافته‌های پژوهش حاضر وزن قابل تاملی در یافتن پاسخ به چرایی نرخ بالای سوءمصرف مواد در میان نوجوانان و جوانان داراست. ضعف نهاد خانواده، نهادهای مسئول فراغت و آموزش در تمامی گزاره‌های تجربی تحقیق به وضوح قابل مشاهده است. این ضعف سبب شده تا مواد اعتیادآور متأثر از پیامدهای زیست‌شناختی اولیه خود، گوی سبقت را از محرک‌های اجتماعی-فرهنگی سیستم پاداش‌دهی مغز نوجوانان و جوانان بریاید و سبب آسیب‌های جدی و حتی مرگ مهم‌ترین سرمایه‌های جامعه که بی‌شک نوجوانان و جوانان این مرز و بوم هستند، شود.

در این میان ضلع خانواده را باید به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و بستر رشد و پرورش نوجوانان به عنوان قاعده برمودای تکرار مصرف مواد تلقی نمود. خانواده با دو متغیر حمایت اجتماعی و ایجاد محیطی امن و آرام می‌تواند سبب عمق کنش عاطفی و افزایش تاب‌آوری نوجوانان به عنوان دو سد مهم در جاذبه و وسوسه تکرار مصرف مواد باشد. بسیاری از پژوهش‌های جامعه‌شناختی محیط خانواده را مهم‌ترین عامل در تاب‌آوری نسبت به سوءمصرف مواد عنوان کرده‌اند. تاب‌آوری توانایی انسان در غلبه بر مشکلاتی است که در زندگی با آنها درگیر می‌شود. این قابلیت که به شدت متأثر از ادراک حمایت اجتماعی خانواده است (قلبی روزین و همکاران، ۲۰۲۳: ۵۰)، می‌تواند سبب وارونه‌سازی رابطه مشکلات با انحرافات اجتماعی شود. به عبارت دیگر تاب‌آوری این قابلیت را در فرد ایجاد می‌کند که به جای انتخاب مصرف مواد جهت گریز از مشکلات خود، با آنها مواجه شده و بر کیفیت زندگی خویش بیافزاید. از سوی دیگر چنین توانمندی منجر به قطع تکرار مصرف شده و مانع سوءمصرف خواهد شد.



شکل ۱: نمودار تحلیلی-توصیفی تم مرکزی پژوهش: برمودای تکرار مصرف

به عبارت دیگر وجود خانواده‌ای با حمایت اجتماعی مقبول و محیطی بدون تنش عامل بسیار مهمی در پیشگیری از سوءمصرف مواد بعد از تجربه اولیه آن می‌باشد. بنابراین ضرورت توجه ویژه به مقوله فرزندپروری همچنان که شافی و همکاران (۲۰۲۳)، نیز به آن اشاره کرده‌اند به شدت احساس می‌شود. در کنار حمایت اجتماعی-عاطفی از فرزندان، تعامل سازنده خانواده در به رسمیت شناختن ایشان نقش بسیار مهمی در ادراک اعتماد به نفس در میان نوجوانان دارد. مبتنی بر دیدگاه نایجل توماس^۱ (۲۰۱۲)، در تفسیر نظریه شناخت هونت^۲، کودکان در مبارزه‌ای پیوسته جهت کسب جایگاه اجتماعی به ویژه توسط خانواده هستند. هرگونه نفی این تلاش منجر به ایجاد اضطراب و استرس در ایشان خواهد شد (آلن، ۲۰۱۴: ۶)، که طبق یافته‌های تحقیق حاضر، از مهمترین عوامل پناه بردن به مصرف مواد پس از تجربه اولیه آن می‌باشد. نکته مهم دیگر در ارتباط با تئوری تشخیص هونت که می‌بایست آن را هم نظریه رشد فردی در زمینه اجتماعی و هم نظریه تغییر اجتماعی در زمینه تاریخی قلمداد نمود، اهمیت آن در ادراک مشارکت کودکان جهت هویت‌یابی است (توماس، ۲۰۱۲: ۴۵۷). عدم توجه به این مهم منطبق بر تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان در تحقیق سبب ایجاد شکافی آسیب‌شناختی در تعامل خانواده و فرزندان به نحوی خواهد شد که نوجوانان جهت ترمیم آن مبتنی بر ادراک پیامدهای

^۱ Nigel Thomas

^۲ Honneth's theory of recognition

عصب‌شناختی مصرف اولیه مواد به تکرار آن روی می‌آورند. همچنین چنین شکافی سبب می‌شود تا امکان مداخله روشمند خانواده در پیشگیری از سوءمصرف مواد با چالش اساسی مواجهه شود.

با توجه به مدل توصیفی-تحلیلی شکل شماره ۱، نهادهای فرهنگی و ورزشی نیز به عنوان یکی از اضلاع این برمودای مخرب، نقش تعیین کننده‌ای در نرخ سوءمصرف جامعه دارا می‌باشند که با توجه به گزاره‌های تجربی تحقیق می‌توان آن را ذیل نهاد فراغت توصیف نمود. در این ارتباط نکته کلیدی در سیاست‌گذاری‌های فراغتی همچنان که اوانگلیستا و مارچی (۲۰۲۲)، عنوان نموده‌اند باید بر اتخاذ رویکردی افقی نسبت به نوجوانان باشد. به عبارت دیگر نهادهای مسئول در حوزه فرهنگ، ورزش و فراغت، می‌بایست با اجتناب از اتخاذ رویکردی آمرانه، سعی در شنیدن صدای نوجوانان داشته باشند. همچنین مبتنی بر یافته‌های پژوهش حاضر، ضرورت به رسمیت شناختن نوجوانان و درنظر گرفتن مشارکت خلاقانه و ابداعی آنها در فهم محیط پیرامونی‌شان متغیری بسیار حیاتی در فرایند بازتولید تفسیری به نحوی است که مانع تکرار مصرف مواد در گام‌های ابتدایی تجربه آن شود.

از دیگر نهادهای اجتماعی مسئول در ارتباط با نرخ سوءمصرف مواد، مبتنی بر یافته‌های تحقیق حاضر، نهاد آموزش است. این نهاد همچون خانواده در هر سه سطح پیشگیری می‌تواند نقش بسزایی در کاهش نرخ سوءمصرف مواد داشته باشد. کمیت، کیفیت و چگونگی ارائه اطلاعات در خصوص مواد اعتیادآور در سطح اول پیشگیری نقش بسیار مهمی را دارا می‌باشد. اهمیت این موضوع تا آنجایی است که گریفن و همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهش خود عنوان کرده‌اند رویکردهای آموزشی در پیشگیری از اعتیاد، مرکزی‌ترین نقطه تمرکز برنامه‌های جهانی بوده است. هرچند در ایران نیز این مهم در دستور کار قرار داشته اما به دلایلی چند از جمله تابوهای اجتماعی، نگاه ارزشی و ایدئولوژیک و حاشیه‌نشین شدن رویکردهای آکادمیک، این مهم به شکل کامل میسر نشده است. در ایران نهاد آموزش متأثر از محدودیت‌های اجتماعی به ارائه تصویری بیمارگون از پیامدهای مصرف مواد بسنده نموده است. از این رو برانگیختن احساس ترس به عنوان مهمترین سد پیشگیری لحاظ شده است. پیامد چنین رویکردی در یافته‌های ارائه شده به وضوح در مضمون بازتولید تفسیری مصرف مواد قابل مشاهده بود. همچنین محتوای چندرسانه‌ای تولید شده در عرصه آموزشی جهت پیشگیری نیز تفکیکی بین عوارض مواد اپیوئیدی، محرک و توهم‌زا را مورد توجه قرار نداده و نیازمند بروزرسانی هستند. اهمیت این موضوع را می‌توان در نتایج تحقیق شافی و همکاران (۲۰۲۳)، مشاهده نمود که حاکی از اهمیت آگاهی کامل نوجوانان از تنوع مواد و اثرات آنها در پیشگیری از سوءمصرف ایشان می‌باشد. تاکید مفرط بر پیامدهای مصرف مواد مخدر در پیشگیری، که مبتنی بر تخریب و خماری همراه با درد جسمانی است می‌تواند منجر به کم خطر جلوه کردن مواد محرک و توهم‌زا در نگاه مصرف‌کنندگان گردد زیرا اثرات مصرفی این مواد بسیار دور از مواد مخدر است.

ناکارآمدی نهاد آموزش در ارتباط با سوءمصرف مواد، محدود به عدم اطلاع‌رسانی کامل و متناسب جهت انتقال دانش اعتیاد به نوجوانان نیست. طبق یافته‌های این پژوهش، غفلت این نهاد از آموزش‌های ضروری در خصوص آگاهی از بلوغ جنسی و روابط مرتبط با آن، در تمامی سطوح سنی از کودکان تا بزرگسالان را باید از مهمترین متغیرهای توضیح دهنده چرایی بالای تکرار مصرف تا سوءمصرف مواد دانست. همچنین فقر محتوای آموزشی این نهاد در خصوص فرزندپروری را نیز باید با جدیت مدنظر داشت. پس از اطلاع از تجربه اولیه مصرف، خانواده جهت مدیریت مصرف و نه قطع ضربتی آن نیازمند توانمندی مواجهه روشمند است. این توانایی که ذیل مهارت‌های اجتماعی زندگی قرار می‌گیرد امری غریزی در انسان نیست که زن آن در افراد با فرزندآوری به شکل بیولوژیک فعال شود و نیازمند آموزش می‌باشد. عدم آشنایی با مواد اعتیادآور و تنوع گسترده آنها می‌تواند منجر به مداخله آسیب‌زای والدین در مواجهه با فرزندان مصرف کننده شود.

بنابراین در نگاهی جامع به یافته‌های پژوهش حاضر همچنان که در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است، قرار گرفتن سه ضلع فرزندپروری به مثابه مهارت اجتماعی، بازتولید تفسیری مصرف مواد و سکسوالیته، برآمده از مضامین اولیه‌شان، تشکیل مثلث را داده‌اند که در مساحت آن ناکارآمدی نهادهایی چون خانواده، فرهنگ، ورزش و فراغت، و آموزش سبب بر ساخت برمودای مهلک تکرار مصرف به سمت برمودای سوءمصرف مواد شده است. از این رو هرچند تجربه مصرف را می‌توان به شکلی حداکثری متأثر از حس کنجکاوی و عوامل اتفاقی یا مناسک خاص لحاظ نمود که در سطح فردی قابل مطالعه است، اما تکرار مصرف و سوءمصرف مواد بیش از آنکه کنشی فردی و در سطح خرد باشد، پیامد ناکارآمدی نهادی در سطح کلان و میانه اجتماعی است که سبب شکست سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه جامعه با تمرکز بسیار بر قطع دسترسی به مواد شده است. این امر جامعه را به شدت در مقابل شیوع مصرف مواد به ویژه در نوجوانان و جوانان و پیامدهای مخرب مصرف مواد اعتیادآور آسیب‌پذیر نموده است. از این رو جهت مدیریت شیوع روزافزون این پدیده شوم، ضرورت دارد با تاکید بر تفکیک مفهومی و عملیاتی دو مقوله تجربه مصرف و سوءمصرف مواد، از تقلیل این پدیده به سطح فردی اجتناب شده و آن را پیامد ناکارآمدی نهادی در سطح اجتماعی لحاظ نمود. در چنین دیدگاهی مدیریت شیوع سوءمصرف دیگر وابسته به دسترسی به مواد نبوده و نیازمند سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش، فراغت، ورزش و اشتغال جوانان می‌باشد. همچنین ضرورت دارد تا بازنگری اساسی در محتوای آموزشی و پیشگیرانه از سوءمصرف مواد با تاکید حداکثری بر به اشتراک گذاشتن حقایق در ارتباط با مصرف مواد صورت پذیرد. لازم به ذکر است محتوای آموزشی باید متناسب با رده‌های سنی مخاطبان و همچنین مولفه‌های فرهنگی جامعه هدف باشد.

۷. منابع

- ابراهیم زاده شهین، سهرابی فائزه. پیش بینی گرایش به اعتیاد بر اساس متغیرهای سرسختی روان شناختی و عدم تحمل ابهام در دانشجویان. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی ۱۴۰۰؛ ۱۵ (۶۱): ۳۰۲-۲۸۳
- احمدی، حبیب و عربی، علی. (۱۳۹۵). ضرورت بازنگری در سیاست‌های تصویرگری اعتیاد در جامعه (مطالعه موردی: شهر کرج). توسعه اجتماعی، ۱۱(۱)، ۷-۳۴.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت.
- استراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولد نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، نشر نی: تهران.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۱). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه حمیدرضا حسنی، محمد تقی ایمان و مسعود ماجدی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خدادادی، سینا (۱۴۰۱). بررسی انفعال سیاسی با تاکید بر تجربه زیسته عدم مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ایرا در سال ۱۴۰۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.
- زارعی سلمان، کاظمی پور احمد. نقش تعدیل‌کننده سالم‌زیستی مذهبی و خودتأمین‌یافتگی در رابطه بین ملال روان‌شناختی با گرایش به اعتیاد در بین دانش‌آموزان پسر شهر نورآباد. دوماه نامه علمی - پژوهشی فیض ۱۴۰۰؛ ۲۵ (۱): ۷۷۶-۷۶۷
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی اجتماعی: جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: آوای نور.
- سلاحی، جعفر (۱۳۸۷). اساس و مبانی جرم‌شناسی، تهران: جاودانه جنگل.
- شوشتری رضوانی مهدیه، آقابابایی ناصر. رابطه دینداری و بنیان‌های اخلاقی با گرایش به اعتیاد در دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر تهران. پایش ۱۳۹۹؛ ۲۰ (۱): ۱۲۵-۱۱۹

- صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۸۸). "بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در میان زنان شهر تهران"، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۶، صص: ۱۵۲-۱۲۵.
- صرّامی فروشانی حمیدرضا، صرّامی فروشانی فاطمه، احمدی مقدم رضا. بررسی وضعیت موجود مدیریت راهبردی پیشگیری اولیه از اعتیاد با رویکرد فرهنگی در ایران. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی ۱۴۰۱؛ ۱۶ (۶۴): ۱۲۳-۱۰۳
- صفری، م. (۱ تیر ۱۴۰۰). شیوع اعتیاد در خوزستان بالاتر از میانگین کشوری: تمایل به مصرف کانابیس، <https://www.isna.ir/news/1400040100641> / تاریخ مشاهده: ۲۰ اسفند ۱۴۰۱.
- عربی، علی. (۱۳۹۵). کاوش فرایندهای اجتماعی اعتیاد جوانان به مواد مخدر، رساله دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- فیض‌اللهی علی، باپیری امیدعلی. واکاوی دلایل، زمینه‌ها و پیامدهای مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان (مورد مطالعه نوجوانان شهر ایلام). فصلنامه علمی اعتیادپژوهی ۱۴۰۰؛ ۱۵ (۶۲): ۱۶۵-۱۴۱
- قیومی لاری، افسانه (۱۳۹۸). تجربه‌ی زیسته‌ی زنان در ازدواج زودهنگام: مورد مطالعه شهر گراش، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
- کرسول، جان (۱۳۹۱). پوشش کیفی و طرح پژوهش، ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار-اشراقی.
- کورسارو، ویلیام (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی کودکی، ترجمه علیرضا کرمانی و مسعود رجبی، تهران: انتشارات ثالث.
- مارشال، کاترین و گرچن ب. راس من (۱۳۸۶). روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: طهوری.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی: ضد روش - جلد اول (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- مغانلو مهناز، والیوند یاسر. مدل‌یابی گرایش به اعتیاد بر اساس صفات مدل پنج عاملی شخصیت با میانجی‌گری تاب‌آوری در دانشجویان. فصلنامه علمی اعتیادپژوهی ۱۴۰۱؛ ۱۶ (۶۳): ۲۸۴-۲۶۷
- ممتاز، فریده (۱۳۸۷). انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: انتشار.
- مومنی، اسکندر (۱۳۹۸). شش استان دارای بالاترین نرخ اعتیاد دانش‌آموزان در کشور، <https://www.isna.ir/news/98060402008/> مشاهده ۲۰ اسفند ۱۴۰۰.
- هاشمی، علی (خرداد ۱۴۰۰). ستاد مبارزه با مواد مخدر را کسی جدی نمی‌گیرد، <https://www.ilna.news/fa/tiny/news-1086771> ، تاریخ مشاهده ۲۵ اسفند ۱۴۰۱.
- هنیک، مونیک. اینگ هاتر و آجلی بیلی (۱۳۹۳). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی و علوم تربیتی، ترجمه هدی زارعی و محمدرضا ایروانی محمد آبادی، تهران: انتشارات سخنوران.
- ولد، جرج، توماس برنارد و جفری اسنیپس (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری: گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت.

Alanen, L. (2014). Theorizing childhood. *Childhood*, 21(1), 3-6.

Allen, J. P., Loeb, E. L., Narr, R. K., & Costello, M. A. (2021). Different factors predict adolescent substance use versus adult substance abuse: Lessons from a social-developmental approach. *Development and Psychopathology*, 33(3), 792-802.

Baimurodavich, R. M. (2022). Forming a healthy lifestyle among youth as one of the components of spiritual and social well-being.

Bates, M. S., & Trujillo, K. A. (2021). Use and abuse of dissociative and psychedelic drugs in adolescence. *Pharmacology Biochemistry and Behavior*, 203, 173129.

Chen, G., Rahman, S., & Lutfy, K. (2023). E-cigarettes may serve as a gateway to conventional cigarettes and other addictive drugs. *Advances in Drug and Alcohol Research*, 3, 11345.

Crooks, R. L., Baur, K., & Widman, L. (2020). *Our sexuality*. Cengage Learning.

- European Monitoring Centre for Drugs and Drug Addiction (2021), European Drug Report 2021: Trends and Developments, Publications Office of the European Union, Luxembourg.
- Evangelista, N. S., & Marchi, R. D. C. (2022). Childhood sociology and interpretative reproduction: a round model of child development. *Educação e Pesquisa*, 48.
- Goodwin, D. W. (1980). The bad-habit theory of drug abuse. *NIDA research monograph*, 30, 12-17.
- Greenberg, J. S., Bruess, C. E., & Oswalt, S. B. (2014). *Exploring the dimensions of human sexuality*. Jones & Bartlett Publishers.
- Griffin, K. W., Botvin, G. J., Scheier, L. M., & Williams, C. (2023). Long-term behavioral effects of a school-based prevention program on illicit drug use among young adults. *Journal of Public Health Research*, 12(1), 22799036221146914.
- Gulley, J. M., & Izenwasser, S. (2021). Adolescent drug addiction. *Pharmacology, biochemistry, and behavior*, 203, 173151.
- Hamza, E. G. A., Gladding, S., & Moustafa, A. A. (2022). The impact of adolescent substance abuse on family quality of life, marital satisfaction, and mental health in Qatar. *The Family Journal*, 30(1), 85-90.
- Henry, K. L., & Augustyn, M. B. (2017). Intergenerational continuity in cannabis use: The role of parent's early onset and lifetime disorder on child's early onset. *Journal of Adolescent Health*, 60(1), 87-92.
- Kiraly, D. D., Walker, D. M., & Calipari, E. S. (2018). Modeling drug addiction in females: how internal state and environmental context facilitate vulnerability. *Current Opinion in Behavioral Sciences*, 23, 27-35.
- Mehanović, E., Vigna-Taglianti, F., Faggiano, F., & Galanti, M. R. (2022). Does parental permissiveness toward cigarette smoking and alcohol use influence illicit drug use among adolescents? A longitudinal study in seven European countries. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 1-9.
- Montgomery, L., Vaughn, L. M., & Jacquez, F. (2022). Engaging adolescents in the fight against drug abuse and addiction: a concept mapping approach. *Health Education & Behavior*, 49(2), 272-280.
- Motyka, M. A., & Al-Imam, A. (2022). Causes of drug initiation among adolescents. *Canadian Journal of Family and Youth/Le Journal Canadien de Famille Et de la Jeunesse*, 14(1), 63-81.
- Ochube, A. G., Ogbe, E. O., & Ndalazhi, F. (2022). The Dynamics of Drug Abuse: A Study of Mkpurummiri Ravaging South East Nigeria. *Journal of Research in Humanities and Social Science Volume 10*, (1), 26-31.
- golbi Ruzain, R. B., & Fadhli, T. N. (2023). The Relationship Between Family Social Support and The Resilience of Former Drug Addicts. *Indonesian Journal of Economics, Social, and Humanities*, 5(1), 43-53.
- Rassool, Hussein (2009). *Alcohol and drug Misuse: a Handbook for Students and Health Professionals*, Routledge: London & New York.
- Rothman, E. F., Daley, N., & Alder, J. (2020). A pornography literacy program for adolescents. *American journal of public health*, 110(2), 154-156.
- Schaub, M., Gmel, G., Annaheim, B., Mueller, M., & Schwappach, D. (2010). Leisure time activities that predict initiation, progression and reduction of cannabis use: A prospective, population-based panel survey. *Drug and alcohol review*, 29(4), 378-384.
- Shafie, A. A. H., Othman, K., Baharudin, D. F., Yasin, N. M., Amat, S., Mohd Jaladin, R. A., ... & Khairul Anuwar, N. H. (2023). An Analysis on Youth Drug Abuse: Protective and Risk Factors in High-Risk Area. *Pertanika Journal of Social Sciences & Humanities*, 31(2).
- Thomas, N. (2012). Love, rights and solidarity: Studying children's participation using Honneth's theory of recognition. *Childhood*, 19(4), 453-466.
- United Nations Office on Drugs and Crime Report 2023, <https://www.unodc.org/unodc/en/drugs/index-new.html>
World Drug Report 2021 (United Nations publication, Sales No. E.21.XI.8).